

# وزنش قرآن

## دو و دوم ابتدایی

یونس باقری

چند سالی است که آموزش قرآن به جای پایه‌ی سوم از پایه‌ی اول و دوم ابتدایی شروع می‌شود. نشریه‌ی رشد آموزش قرآن گفت و گو با جناب آقای مسعود وکیل، کارشناس مسؤول گروه قرآن در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی را به لزوم یا عدم لزوم آموزش قرآن برای این دو پایه‌ی تحصیلی اختصاص داده‌ایم؛ این که چنین آموزشی چه هدفی می‌تواند داشته باشد.

■ جناب وکیل لطفاً بفرمایید چرا آموزش قرآن از اول ابتدایی شروع می‌شود؟

بسم الله الرحمن الرحيم

● در این زمینه دلایل زیادی وجود داشت که به تشریح آن‌ها می‌پردازم. مهم‌ترین دلیل آن، تجربیات خود «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» بود. یعنی بسیاری از کارشناسان و آموزگاران، آموزش قرآن را از اول ابتدایی به صورتی خودجوش شروع می‌کردند که جواب مثبت هم داده بود. پس ما هم به این اندیشه افتادیم که تدریس و آموزش قرآن را از اول ابتدایی شروع کنیم. البته در گذشته، در کشور خودمان هم آموزش خواندن و نوشتن به صورت سنتی با قرآن شروع می‌شد.

پیش از برنامه‌ی جدیدی که در حال گفت و گو درباره‌ی آن هستیم، آقای غلام عباس سرشور خراسانی که بیش از ۱۵ سال آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی بوده است، آموزش روخوانی قرآن را هم گام با آموزش سوادآموزی فارسی از پایه‌ی اول ابتدایی در شهرستان مشهد آغاز کرده بود. به دلیل توفیقات وی در این امر، این طرح در بسیاری از مدرسه‌های ابتدایی استان خراسان و سپس استان فارس و هرمزگان توسعه یافته بود. تمام این فعالیت‌ها و تجربه‌ها، مربوط به قبل از آغاز کار رسمی، در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است.

تجربه‌های دیگری هم در این زمینه وجود داشته است که حتی آموزش روخوانی قرآن را در دوره‌ی پیش دبستانی آغاز می‌کرده‌اند که این تجربه، هم





در مشهد مقدس و هم در استان قم، سابقه‌ای بیش از چهلین سال دارد. پس این کار از دفتر برنامه‌ریزی و تألیف شروع نشده، بلکه این دفتر مجموعه تجربه‌های موجود در کشور را جمع‌آوری کرده، و با بررسی آن‌ها و تدوین مجموعه‌ای جدید، پس از انجام آزمایش‌های مکرر، اقدام به اجرای سراسری آن کرده است.

آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی و هر یک از پایه‌ها و از جمله پایه‌ی اول ابتدایی، دارای هدف‌های دقیق، مکتوب و مصوب است. مهم‌ترین هدف آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی، توانایی روحانی قرآن است و در پایه‌ی اول نیز مهم‌ترین هدف، کسب مهارت در ترکیب حروف و حرکات، و دستیابی به توانایی خواندن برخی از کلمات و عبارات قرآنی به صورت بخش‌خوانی است. ثانیا، این آموزش زمانی انجام نمی‌شود که دانش‌آموز هنوز هنوز الفبای فارسی را نیاموخته است. شاید برای شما جالب باشد که در آموزش روحانی قرآن در پایه‌ی اول ابتدایی، هیچ (به معنای دقیق و بدون اعراب) آموزش جدیدی صورت نمی‌گیرد، بلکه دانش‌آموز صرفاً بر اساس آنچه در فارسی

می‌آموزد، توانا خواهد بود که برخی از کلمات و عبارات قرآنی را بخواند و از قضا، بهترین زمان برای برداشتن این گام - که مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام در آموزش روحانی قرآن است - در پایه‌ی اول و پس از یادگیری حروف الفباست. در این زمان است که دانش‌آموز از صرف خواندن - هر چند که معنای آنچه را که می‌خواند، نفهمد - لذت می‌برد. اولاً تأخیر این کار دلیلی ندارد و ثانیاً این تأخیر موجب عوارض زیادی می‌شود.

تکته‌ی آخر این که باید گفت، تجربه‌های طولانی و موفق گذشته این کار را تأیید می‌کرد و حداقل دو سال این امر آزمایش شده که در سال دوم، این طرح از سوی پژوهشکده تعلیم و تربیت به طور گسترده‌تری گریز گردید. جالب است که در هر دو سال، قوی‌ترین بخش طرح، کسب مهارت روحانی قرآن در حد قابل قبول بوده است.

■ در کتاب اول دبستان در بخش اهداف اشاره شده است که: «کوچک شما آموزش قرآن را با شنیدن صوت زیبای قرآن آغاز می‌کنید.» استفاده از وسایل کمک آموزشی مانند نوار و سی‌دی بدون شک مفید است، اما مسأله این جا است که آیا تمام مدرسه‌های ایران به وسایل کمک آموزشی مانند ضبط صوت، ویلگو، رایانه، سی‌دی و... مجهز هستند که به این شیوه متوسل شویم؟

● درباره‌ی سؤال شما، چند نکته قابل

ذکر است. اول آن که اصلاً در رویکرد برنامه‌ی جدید، در قسمت آموزش روحانی قرآن، به تنها نقش اصلی و اولیه بر عهده‌ی استماع و نوارهای صوتی نیست، بلکه کاملاً بر عکس، اولاً چشم و حسن بینایی، از شنوایی نقش کاملاً بیش‌تر و جدی‌تری دارد و ثانیا، از پایه‌ی اول تا پنجم ابتدایی در آموزش روحانی، استماع هیچ سوره، آیه و عبارات قرآنی، به وسیله‌ی نوار، بر روحانی آن مقدم نیست. در این زمینه، مهم‌ترین وسیله‌ی کمک آموزشی، لوحه‌های آموزش قرآن هستند که به میزان کافی مورد توجه دوستان قرار گرفته است و باید مدارس از این لوحه‌ها استفاده کنند.

البته ما در آموزش قرآن، از نوارهای صوتی هم استفاده می‌کنیم و اگر به نقش نوار توجه شود، از این کار هم کاملاً دفاع می‌کنیم. هر کار شناسی که در کشور با آموزش خواندن و قرائت قرآن سروکار دارد، می‌داند که استماع نوارهای آموزشی در ترویج و ارتقای مهارت قرائت و زیاده‌خوانی قرآن چه قدر نقش و دخالت دارد. از سال ۷۷ تاکنون، در هر پایه‌ی تحصیلی نوار قرائت آیات کتاب درسی تهیه و برای





همه‌ی مدرسه‌های کشور ارسال شده است. این میزان نوار بیش از ۷۰۰ هزار حلقه بوده است. همچنین، حداقل به طور

این نقص گام‌هایی برداشته شده است که به اختصار توضیح می‌دهم.

به آموزش قرآن به عنوان یک آموزش

جامع نگاه شده است. هر چند که در

دوره‌ی ابتدایی مهم‌ترین هدف، آموزش

روخوانی است، ولی چون هدف‌ها به

گسسته‌ای جامع دسته شده‌اند،

فرصت‌هایی فراهم شده‌اند تا برخی از

خشکی‌ها را بکسختی‌های آموزش

روخوانی گرفته شود؛ از جمله: استفاده

از نوارهای آموزشی و شنیدن صوت

ریبای قرآن و هم‌خوانی دسته جمعی در

کلاس - به هر مقدار که ممکن باشد -

خواندن برخی از داستان‌های قرآنی

مختص است با ویژگی‌های روانی

دانش آموزان در کلاس درس‌های

روخوانی، و از این دو مهم‌تر، وجود

پیام‌های قرآنی در آموزش جدید

در هر درس، دانش آموزان با یک پیام

ریبای قرآن و ترجمه‌ی آن آشنا می‌شوند و

بدون آن که معلم توضیح خاصی بدهد، با

استفاده از تصویرهای مربوط به آن پیام و

همچنین گفت‌وگو با یکدیگر، نظر و

تجربه‌های شخصی خود را دربارهِی آن

پیام برای دیگر دانش آموزان تعریف

می‌کنند. شاید برای شما جالب باشد که

در یکی از کلاس‌ها، وقتی با دانش آموزان

درباره‌ی این پیام‌ها صحبت می‌کردیم،

آن قدر از این برنامه تأثیر پذیرفته بودند که

یکی از آن‌ها به ما توصیه کرد، چون این

پیام‌ها برای زندگی هستند، نام آن‌ها را

«پیام زندگی» بگذارید.

این نشانه‌ها، نشانه‌های بسیار خوبی

هستند. در برنامه‌ی جدید در کنار

آموزش روخوانی، پنجره‌های خوبی

برای فهم برخی عبارات قرآنی و برقراری

ارتباط‌های درونی تری با قرآن کریم باز شده

است. پس به دغدغه‌های ارزشمند شما

توجه شده و گام‌هایی هم برداشته شده

مستمر دهه از دستگاه ضبط صوت تهیه و

توزیع شده است و استان‌ها، مناطق و حتی

خود مدرسه‌ها نیز اقدامات خوبی کرده‌اند.

هر چند در این زمینه هنوز نواقصی وجود

دارد، ولی دو نکته قابل ذکر است: اولاً

آموزش روخوانی قرآن که مهم‌ترین هدف

آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی است، مبتنی

بر استفاده از نوار صوتی نیست و ثانیاً، چرا

ما نباید قدر دان همین تلاش‌های آموزش و

پرورش باشیم که در سال‌های اخیر، نقش

به‌سنجالی در ترویج استفاده از نوارهای

صوتی قرآن داشته است.

■ در کتاب اول دبستان اشاره شده است

که کودک در نیمه‌ی دوم سال با روخوانی

آشنا می‌شود. این توانایی، بسیار شیرین

و ذوق‌آور است. ضمن آن که در آن‌ها

اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و زمینه‌ی

علاقه‌ی بیش‌تر را نیز فراهم می‌کند.

زاینه‌ها برای انتقال عقاید و فرهنگ

خویش، از قدیم‌الایام از آبیاری استفاده

می‌کردند. در این قالب به کودک آموزش

می‌دادند و در این راه موفق بودند؛ یعنی

استفاده از یک روش و شیوه‌ی کاملاً

غیر مستقیم برای آموزش. امروزه

روان‌شناسی هم استفاده از روش‌های

غیر مستقیم را تأیید می‌کند. ما از این

شیوه‌ها چه قدر بهره‌ی بگیریم و تا چه حد

معلم‌مان ما به روش‌های آموزش

غیر مستقیم علمی آگاه هستند؟

● نظر شما درباره‌ی استفاده از شیوه‌هایی

که موجب افزایش انگیزه و علاقه به

یادگیری قرآن شود، کاملاً صحیح

است. متأسفانه این مشکل در عموم

روش‌های آموزش قرآن، به ویژه آموزش

روخوانی - که در کشور ما رایج است -

وجود ندارد. در برنامه‌ی جدید برای رفع



است، هر چند که همیشه باید کار را عینی‌تر و قوی‌تر کرد. موضوع دیگر این که گروه قرآن در سال ۸۲ موفق

شد، مجموعه‌ی رویکرد، مبنایی و سایر مسائل مورد نظر خود را در کتاب «روش تدریس آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی» که از کتاب‌های مراکز تربیت معلم است، نشر دهد. بنده اعتقاد دارم، این کتاب از جمله معدود کتاب‌هایی است که به آموزش قرآن به عنوان یک برنامه‌ی یادگیری با رویکرد، اصول، هدف‌ها و روش‌های آموزش به طور جامع، نگاه کرده و ارائه طریق نموده است. می‌توان این اثر مکتوب را نقد و بررسی کرد تا نقاط قوت و ضعف آن مشخص شود و گامی باشد برای ارتقای مسائل گوناگون آموزش قرآن، به ویژه آموزش روخوانی در کشور.

■ در انتخاب شیوه و روش‌های پژوهش قبل از اجرای طرح آموزش قرآن، در مورد مسائلی چون بررسی کتاب‌های فارسی - که در یادگیری روخوانی مؤثر و حاضر اهمیت است - و هماهنگی کتاب‌های آموزش قرآن با کتاب‌های آموزش فارسی، تا چه اندازه کار شده و





تا چه حد این امر در تدوین کتاب‌های آموزش قرآن ابتدایی رعایت شده است؟ آیا هماهنگی لازم به عمل آمده است؟

● موضوع هماهنگی یا ناهماهنگی با زبان فارسی باید روشن شود. وقتی ما سخن از هماهنگی و حتی معنی بودن آموزش روخوانی قرآن بر سر دادآموزی فارسی می‌کنیم، منظور این است که وقتی دانش آموزی خواهد در پایه‌ی اول ابتدایی برخی کلمات و عبارات قرآنی را حداقل به صورت بخش بخش بخواند، باید آنچه در فارسی آموخته است، او را در این امر کمک کند. این را می‌گوییم هماهنگی، و این هماهنگی کاملاً اتفاق افتاده است.

اگر قرار است، گام مهم و اساسی آموزش روخوانی در پایه‌ی اول ابتدایی - که عبارات از ترکیب صامت‌ها و مصوت‌هاست - برداشته شود، این گام با خواندن کلماتی چون کتاب، انسان و بستی آدم برداشته نمی‌شود. مشکل فهمیدن معنای کلمات و عبارات قرآنی در آموزش روخوانی، همواره باسبب است. چه از اول ابتدایی شروع کنیم، چه از پایه‌ی سوم، فرق عملی ندارد. چه بهتر با این مشکل که کم‌ریش وجود دارد، در زمانی رو به رو شویم که اولاً صرف روخوانی کلمات و عبارات برای دانش آموز جدایت ندارد. یعنی در آغاز سوالات آموزشی از پایه‌ی اول ابتدایی، و شاید دانش آموز از ترکیب و اجزای این کلمات با این تری برخورد است. پس سبب این به فهمیدن آنچه می‌خواند، کم‌تر است. شاید برای کتاب‌های درسی قرآن چه نوع رسم الخطی را انتخاب کرده‌اند؟

● بحث مهم در رسم الخط را پیش کشیدند که خودش در سطح مقدماتی و مهم دیگری است. سبب قرار گرفتن این کلمات در کتاب‌های آموزشی در این رسم الاملاء

مجموعه، از رسم المصحف ساده‌تر است. برای خودش قواعد و حساب و کتابی دارد. ما خود را جایز نمی‌دانیم که از هر رسم الخطی استفاده کنیم. برای نمونه، در کتاب درسی تمام «ایات‌های کوچک» که پایه‌ی الف مدی هستند، به الف کشیده تبدیل شده‌اند. این امر مطابق رسم الاملاء عربی است و در تمام کشورهای عربی در نوشتن آیات قرآنی - به جز مصحف کامل قرآن - همین تسهیل اتفاق افتاده است.

متأسفانه ما تاکنون نتوانسته‌ایم، به هر دانش آموز در طول دوران تحصیلی، یک قرآن با ویژگی‌های مناسب دانش آموزان هدیه کنیم. چند سال پیش، امکانی فراهم شد که تعدادی مصحف کامل چاپ شود و در اختیار مدرسه‌های متوسطه (دبیرستان‌ها)، و نه دوره‌ی ابتدایی، قرار گیرد. بایررسی‌هایی که انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که از میان سه رسم الخط (عثمان طه، رسم الخط عربی و رسم الخط کم‌اعراب مربوط به مرکز طبع و نشر قرآن کریم)، رسم الخط سوم به رسم الخط کتاب‌های درسی دانش آموزان نزدیک‌تر است. آن‌که انطباق کامل داشته باشد و در خواندن آن، دانش آموزان با مشکل کم‌تری روبرو هستند. از این رو اقدام به چاپ مصحف‌ها و ارائه‌ی آن‌ها به مدرسه‌های متوسطه کردیم، و اخیراً نیز با همکاری مرکز طبع و نشر قرآن کریم و وزارت آموزش اسلامی تعدادی قرآن با رسم الخط کم‌اعراب به برخی مدارس ابتدایی شهری و روستایی ارسال کردیم.

● نکته مهم در این مورد، این است که در کنار این رسم الاملاء، در کنار آن، عبارات و

دانش آموزان چنین نمادی را راحت‌تر می‌خوانند، این تبدیل صورت گرفته است. این گونه تغییرات که گاهی برای تسهیل بیش تر اتفاق می‌افتد، چیزی نیست که آموزش یا دانش آموزان را دچار مشکل کند. اما در باره‌ی علامت ساکن نباید عرض شود. اولاً، این گونه نبوده است که علامت ساکن از آغاز برنامه‌ی جدید از تمام پایه‌ها حذف شده باشد. در دوره‌ی راهنمایی در برنامه‌ی جدید، با این که به طور کامل از رسم الاملاء و بدون علائم همراه صداهای کشیده استفاده شده، ولی علامت ساکن حذف نشده است. در دوره‌ی ابتدایی، از آن جا که قرار بود در پایه‌ی اول از هیچ نماد جدیدی استفاده نشود، علامت ساکن نیز به کار برفته است. از این رو، چون در پایه‌ی اول علامت ساکن به کار برفته بود، و از سوی دیگر، نقش عملی علامت ساکن تمایز حروف ناخوانای ساکن است و در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی تا پایه‌ی چهارم، حروف ناخوانا یا شکلی متمایز نوشته شده‌اند، به نظر می‌رسد که نیازی به استفاده از علامت ساکن نباشد.

این موضوع از آغاز نیز مورد تأمل بود تا بالاخره در سال ۸۱، طرحی برای آزمایش طرح یا عدم طرح علامت ساکن تهیه شد و در پایه‌ی دوم ابتدایی به اجرا درآمد. بر اساس نتایج این طرح، هر چند هر دو گروه آزمایش شده خیلی از یکدیگر فاصله نداشتند، ولی چون در طرح وجود علامت ساکن، بخوانند دانش آموزان با صحت بیش تری همراه بود و از سوی دیگر، وجود این علامت مشکل خاصی را ایجاد نمی‌کند، تصمیم بر آن شد که از علامت ساکن استفاده شود.

● اما چرا در کتاب فعلی پایه‌ی پنجم



ابتدایی، متن آیات درس با علامت ساکن و متن مصحف در پایان هر درس، بدون علامت ساکن آمده است؟

پاسخ این است که تفاوت این صفحات با آیات درس تنها در این مورد نیست، بلکه آیات درس به شیوه‌ی رسم الاملاء و آیات صفحات یابانی هر درس - که تقریباً یک نوع تصویر آزاد و نه اجباری است - به شیوه‌ی رسم المصحف است. زمانی که با هدف آموزش خاصی در برنامه‌ی آموزش قرآن از مصحف کامل استفاده می‌شود، دیگر در رسم الخط آن دخالتی نمی‌شود و از آن جا که مصحف کامل مرکز طبع و نشر قرآن کریم، از سایر مصحف‌ها به رسم الخط کتاب‌های درسی نزدیک‌تر است، فعلاً از این نمونه استفاده می‌شود و این مصحف علامت ساکن ندارد.

در کتاب سوم ابتدایی، بخشی به عنوان آموزش «اذان» و «نماز» در سه جلسه مطرح شده است. آیا به نظر شما در این مهمی را می‌توان در سه جلسه به پایان رساند؟

آموزش «نماز» در کتاب دینی انجام می‌شود و منحصر به این سه جلسه در ابتدایی نیست. اما در این جا مسأله‌ی مهم برای ما همان «صحت قرائت نماز» است و سایر خواندن درست نماز نکیه کرده‌ایم. هنوز مسأله‌ها بسیاری از بزرگان هم هستند که نماز را خوب و صحیح قرائت نمی‌کنند و به این دلیل ما آن را در کتاب آموزش قرآن گذاشته‌ایم تا در این جا فقط به این نکته توجه شود.

از پایه‌ی سوم ابتدایی به دانش آموزان مفاهیم و ترجمه‌ی قرآن را آموزش داده می‌شود. چه در مسأله‌ی بهترین شیوه برای تعال مفاهیم قرآنی چیست؟  
مشکی نیست که دانش آموزان ماهیة دلیل رسمی زبان عربی را نمی‌فهمند و این مسأله را هم وجود

آموزشی به این نکته توجه اساسی مبذول داشته‌ایم و یکی از دلایل اصلی این که از «اول» ابتدایی آموزش روخوانی قرآن را شروع کردیم، همین مسأله بود. کودک هر چه بزرگ‌تر شود، قوه‌ی درکش بیش‌تر می‌شود و می‌خواهد معانی کلمات و عبارات را بفهمد. در پایه‌ی اول ابتدایی این کنجکاوی کم‌تر است، پس روخوانی را بهتر می‌آموزد.

اما در پایه‌ی «سوم» ابتدایی، به این نکته حساس می‌شود که معنی این عبارت یا کلمه چیست. در این پایه، دیگر گام‌های اولیه و اساسی در روخوانی برداشته شده است و بیش‌تر نیازمند تمرین و تکرار هستیم. بنابراین، آموزش مفاهیم و ترجمه‌ی قرآن را از سوم ابتدایی شروع کردیم که به نظرم کار درستی است. همچنین باید اضافه کنم، ما هم از همان عبارات ساده‌ی قرآنی بهره می‌گیریم و کتاب این موضوع را نشان می‌دهد؛ مانند احترام به والدین، دروغ نگفتن و... که در زندگی روزمره جنبه‌ی کاربردی هم دارد.

در کتاب پایه‌ی «پنجم» ابتدایی، به یکی از اهداف ما که با روخوانی، روان‌خوانی و حرک معانی بدست می‌آید، همی التمس با قرآن اشتباه شده است. آیا به نظر شما این اشتباه نیست که بعد از پنج سال از آموزش قرآن، به یاد ما نماند که این بچه‌ها با قرآن یا تسمیه؟ به نظر می‌آید.

اول هر فردی اگر بخواهد چیزی را بیاموزد، باید به آن علاقه داشته باشد. نه این که اول یاد بگیرد و بعد از چند سال، از خود پیرسد که آیا علاقه دارد یا ندارد. آنچه در باره‌ی التمس با قرآن در کتاب پنجم آمده، مربوط به اناس و آشنایی دانش آموزان با مصحف کامل است. استفاده از شعر، داستان و تصویرهای رنگی و زیبا، و حتی انتخاب روشی بسیار ساده برای آموزش روخوانی قرآن، خود نشان‌دهنده‌ی این امر است که ما خواهان ایجاد علاقه و التمس گرفتن دانش آموزان با قرآن بوده‌ایم. حتی در پایان هر درس، شعارهای هر هفته را آورده‌ایم که به بچه‌ها اجازه می‌دهد، در کلاس و در گفت‌وگویی آزاد، به اثر از عقیده‌ی خویش در باره‌ی آن، مثلاً دروغ نگفتن، پیرازند، ایجاد و پرورش چنین فضای آزادی بدون شک در راستای همین هدف بوده تا بعدی نگردد، قرآن چهیره‌ای فخرآمیز برای دانش آموز پیدا نکند.

یا تشکر از حضور جناب عالی در این گفت‌وگو.

